



دکتر الله شکر اسداللهی
عضو هیات علمی دانشگاه تبریز

چکیده: مقاله‌ی حاضر تحلیل محتوایی و معنایی در متن مربوط به فارسی ابتدایی است. آنچه در این مقاله اهمیت ویژه‌ای دارد، روش تحلیل متن و نوشتار است. این مقاله می‌تواند یکی از راهبردهای تحلیل کلامی در زبان‌شناسی به‌شمار آید. محتوای انتخابی، مربوط به ایران در کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی است.

نویسنده‌ی مقاله‌ها آقای دکتر الله شکر اسداللهی (متولد سال ۱۳۳۹، اردبیل)، در سال ۱۳۷۰ به فرانسه اعزام و در رشته‌ی زبان‌شناسی تحلیل کلام از دانشگاه گرونوبل فارغ‌التحصیل شد. هم‌اکنون نیز در دانشگاه تبریز مشغول تدریس است. از وی ۱۸ مقاله و یک کتاب به‌چاپ رسیده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمانی، تحلیل کلامی، نوشتار، گفتار، زبان فارسی، ایران، متن، مخاطب، پیام، موسیقی کلام، تکرار، تحلیل ارجاعی و کنش زبانی.

می‌کنند (قطعاتی از اشعار فردوسی و دیگر شعرای نامدار، داستان‌هایی در ستایش رزم‌آوران ایرانی، متون مربوط به اعیاد ملی، معرفی و ستایش گوشه‌هایی از ایران زمین، تأکید بر هنر و هنر دوستی در نزد ایرانیان، مطالعه‌ی تاریخ ملی و معرفی و ستایش گوشه‌هایی از ایران زمین، تأکید بر هنر و هنر دوستی در نزد ایرانیان، مطالعه‌ی تاریخ ملی و غیره)، متون درسی دیگری نیز وجود دارند که هدف آن‌ها صرفاً معرفی ایران به دانش‌آموزان است.

این نوشته‌ها اغلب در انواع متفاوتی ارائه می‌شوند^۲ (حماسی، عاطفی، روایی، تاریخی و...) که هر یک به نوبه‌ی خود قابل بحثند، درباره‌ی ایران، اطلاعات ارزنده‌ای به دانش‌آموزان ارائه می‌کنند و بار معنایی، فرهنگی و ملی چشم‌گیری دارند.

از آن‌جا که در این مقاله بررسی تمام متونی که مستقیماً ایران را موضوع اصلی خود قرار داده‌اند، امکان‌پذیر نیست، سعی خواهیم کرد تنها دو متن (نظم و نثر) را که در کتاب فارسی اول دبستان درباره‌ی ایران نوشته شده است، تحلیل کنیم. ابتدا لازم است این دو نمونه را ذکر کنیم و سپس به مطالعه‌ی آن‌ها بپردازیم:

با زبان‌ها و لهجه‌های متفاوت کودکان ایرانی زمزمه می‌شود. ما ایرانیان، به رغم مشکلات عمده‌ی ارتباطات زبانی که ریشه در تنوع اقوام و قبیله‌های ایرانی دارد، عشق به میهن و ایران دوستی را اغلب از ورای زبان فارسی که به صورت مکتوب در متن‌های آموزشی مدرسه‌ها گنجانده می‌شود، یاد می‌گیریم. بنابراین تمام فرزندان این مرز و بوم، با هر زبان و لهجه‌ای که دارند، ایران و فرهنگ ایرانی را ابتدا در مدرسه به کمک اشعار و متن‌هایی که ایران را معرفی می‌کنند، می‌شناسند.

این آشنایی در زمینه‌های متفاوتی انجام می‌گیرد؛ تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، ادبیات و غیره. اگر کتاب فارسی یکی از دوره‌های ابتدایی، راهنمایی یا دبیرستانی را ورق بزنیم. متن‌هایی خواهیم یافت که به نحوی ایران و مسائل مربوط به آن را به ما می‌شناسانند. کودکان حتی قبل از فراگیری نگارش زبان فارسی، صرف‌نظر از سرودهایی که در دوران پیش‌دبستانی می‌آموزند، به وسیله‌ی تصویرها و نشانه‌ها (پرچم ایران، نقشه‌ی ایران و...) با سرزمین خود آشنا می‌شوند. علاوه بر نشانه‌ها و متن‌های جنبی که به نوعی ایران و فرهنگ ایرانی را در ذهن دانش‌آموزان تداعی

نویسنده به کمک متن نوشتاری خود با خواننده ارتباط زبانی برقرار می‌کند و این متن در برگیرنده‌ی یک سلسله سازوکارهای پیچیده‌ای است که مؤلف آن‌ها را به صورت رمز (encodage) در متن گنجانده است. خواننده نیز باید به نوبه‌ی خود به آن رمزها دست یابد (decodage)^۱ و نانوشته‌ها را بخواند. به عبارت دیگر متن نوشتاری، صحنه‌ی نبرد فکری دو جریان تعاملی است: نویسنده، خالق نوشته با تمام فرایندهای پیچیده‌ی زبانی در یک طرف و خواننده مخاطب این متن، که باید علاوه بر پیام مستقیم نوشتار به نیات ضمنی و پنهانی نویسنده نیز آگاه شود در طرف دیگر قرار می‌گیرد.

زبان‌شناسان برجسته‌ی علم تحلیل کلام^۲ راهبردهای جالبی برای درک مفاهیم نهفته در بیان یا زبان ارائه داده‌اند که توسل به آن‌ها می‌تواند ما را در نگارش این مقاله یاری کند. در این جا دو متن که مربوط به ایران هستند، انتخاب شده‌اند که برای تحلیل هر یک از آن‌ها، بیش‌تر از روش‌های صوری و ارجاعی و همچنین کنش‌های زبانی استفاده خواهیم کرد.

معرفی خانه‌ی بزرگ ما ایران از همان مراحل آغازین یادگیری زبان و ادبیات فارسی

تحلیل گفتمانی دو متن

۱
ایران، خانه‌ی ما

خوب و عزیزی
ایران زیبا
پاینده باشی
ای خانه‌ی ما

✱

من دوست هستم
با شهرهای
با کوه و دشت
با نهرهای

✱

خورشید اسلام
یک بار دیگر
تاییده از تو
الله اکبر

✱

درهر کجایت
خون شهیدان

پیوسته جاری است
ای خاک ایران

✱

بر کوی و کوچه
بر دشت‌های
روییده لاله
جانم فدایت.



۲ میهن ما

کشور ما ایران است.
ما در ایران زندگی می‌کنیم. ایران میهن ماست.
کشور ما شهرها و روستاهای بسیار دارد.
بعضی از مردم کشور ما در روستاها و بعضی دیگر در شهرها زندگی می‌کنند.
ما در هر جا که زندگی می‌کنیم، میهن خود را دوست داریم.
پیغمبر اسلام فرموده است: دوست داشتن میهن نشانه‌ی ایمان است.

شعر ایران که با معیارها و قابلیت‌های زبانی کودکان کاملاً همگون و منطبق است و اصطلاحاً آن را در انواع ادبی «Comptine»^۱ می‌نامند و متن «میهن ما»، هر یک به نحو خاصی ایران را به دانش آموزان معرفی می‌کند. تحلیل ما از این دو متن بر اساس ویژگی‌های صورتی، نگارشی و ارجاعی، به ویژه «معنای ضمنی» (connotation)^۲ عبارات یا (آن چه که در لایه‌ی اولی آن‌ها خوانده می‌شود).^۳
(subjectivite dans le langage)^۴ و مقدار تأثیری که بر یادگیری کودکان دارند، انجام خواهد شد:

۱. تحلیل صورتی - نگارشی

شکل نوشتار به لحاظ نوع در این دو متن کاملاً متفاوت است. در شعر «ایران، خانه‌ی ما» تأثیر کلام به مراتب بیش‌تر از متن «میهن ما» است. شاید دشوارترین مفاهیم را بتوان در قالب عبارات آهنگین فرا گرفت و این نه تنها نزد کودکان، بلکه برای بزرگسالان نیز یک اصل منطقی به حساب می‌آید. کودکان فراگیری مفاهیم زبانی خود را با کلام آهنگین آغاز می‌کنند. درست به همین علت است که در دوره‌های پیش دبستانی و در کانون خانواده‌ها برخی از مفاهیم زبانی را اصولاً با سرودهای کودکانه یا اشعار صرفاً آهنگین آموزش می‌دهند که در ذهن کودک تأثیر زیادی می‌گذارد.

شعر بالا در صفحه‌ای سفید و روی فرشی از تصویر لاله چاپ شده است. ابیات شعر در پنج نوبت، با یک خط سبز از هم جدا شده‌اند. هر قسمت قافیه‌ای جداگانه دارد، ولی در عین حال از یک پارچگی آهنگ کل شعر تبعیت می‌کند. اولین واژه هر این شعر «ایران» است و آخرین کلمه «فدایت» با به عبارتی «جانم فدایت» و سرود کلمه‌ی «لاله» در شعر و بازتاب آن که «خون شهیدان» با نمای عمقی متن همگونی کامل دارد (st'ere'otype)^۵ و هر دوی آن‌ها، یعنی واژه‌ها و تصویر متن (لاله‌ها) هم‌زمان تأثیر بسزایی در فراگیری کودکان دارند. خط سبز بین ابیات، در عین حفظ یک پارچگی شعر، آن را در پنج بعد متفاوت و کلی ارائه می‌کند: ایران = خانه، ایران = دوستی، ایران = اسلام، ایران = شهیدپروری، ایران = جان فشانی.

هر یک از کلماتی چون «پابنده»، «تاییده» و «رویده» نقش خلاقانه در موسیقی ابیات دارند شعر به کمک این واژگان، آهنگ آغازین خود را (در سه مرحله) باز می‌یابد و نهایت آخر امتداد پیدا می‌کند. وجود حروف «ی» و «ت» در واژگانی چون «عزیزی»، «باشی»، «شهرهایت»، «دشتت»، «نهرهایت» و غیره، حاکی از وجود یک مخاطب (interlocuteur) صمیمی است؛ مخاطبی که کودک او را به خویش نزدیک می‌داند و به راحتی می‌تواند با وی ارتباط برقرار کند.

به جز یک ویژگی که در عنوان شعر آمده است، هیچ علامت نقطه گذاری در آن به چشم نمی‌خورد. علائم نقطه گذاری در شعر، موانعی برای خواندن آن ایجاد می‌کند؛ زیرا خواننده را مجبور می‌کند آهنگ قرائت شعر را طبق آن علائم تنظیم کند، در حالی که نبود این علائم آزادی بیش‌تری از حیث آهنگ به خواننده می‌دهد و از آن جا که مخاطبان این شعر، کودکان دبستانی هستند، با آزادی عمل بیش‌تری به فراگیری آن خواهند پرداخت.^۶

متن «میهن ما» از چند جمله‌ی قابل فهم برای کودکان تشکیل شده است. این متن با

جملات کوتاه شروع می‌شود و با جملات نسبتاً طولانی به پایان می‌رسد. در بالای متن نقشه‌ی ایران را می‌بینیم که در آن نام شهرهای مهم نوشته شده است و در واقع نشانه‌ی غیر کلامی (signe) واژه‌ی «میهن» به حساب می‌آید. نقشه‌ی ایران برای کودک در حکم یک نشانه‌ی معنایی (signe se'mantique) است که هم‌زمان دو تأثیر مفهومی بزرگ در ذهن کودک ایجاد می‌کند: «میهن» و «کشور». هر چند که این دو مفهوم به لحاظی با هم مترادف هستند، اما معنای ضمنی «میهن» بسیار فراتر و عمیق‌تر از «کشور» است. وجود نقشه در ابتدای این متن به قدری تأثیرگذار است که شاید به تنهایی می‌توانست پیام مؤلف را بدون وجود متن نوشتاری به مخاطب (کودکان) برساند.

تکرار کلمات «میهن» و «کشور» به صورت متناوب در جملات متن، تأکیدی مضاعف بر یادگیری آن‌ها به عنوان واژگان کلیدی (mots cle's) محسوب می‌شود. اما این متن هر چند که با تکرار و تأکید برخی واژگان همراه است، نسبت به شعر تأثیرگذاری کمتری دارد. این واژگان کلیدی قالب‌های خشک جملات عاری از آهنگ و وزن ارائه شده‌اند و در نتیجه از هرگونه جذابیتی دورند. گاهی بنا به نظریه‌ی برخی از زبان‌شناسان^۷، شکل نوشتار (forme)، به ویژه در متونی که مخاطبان آن‌ها کودکان هستند، نسبت به محتوا (fond) از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا آن چه نخست توجه کودک را به خود جلب می‌کند، شکل است، نه محتوا؛ معنا؛ پس به کمک قالب‌های خوب و جذاب می‌توانیم مفاهیم مورد نظر و پیام خود را به راحتی به آن‌ها برسانیم.

به رغم شعر ایران - که پر از کلمات اسلامی و انقلابی است - متن «میهن ما» تنها دربرگیرنده‌ی دو واژه‌ی مذهبی یعنی «پیغمبر اسلام» و «ایمان» است که به عنوان نتیجه در این متن ظاهر شده‌اند. این دو واژه پیام «ملی» متن را با پیام «مذهبی» آن در هم می‌آمیزند و کامل می‌کنند. علائم نقطه گذاری مانند

پنهانی شاعر و نویسنده (subjectivite) را هم به وضوح می توان یافت. کلماتی چون «خوب»، «عزیزی»، «دوست» و «زیبا» اختصاصاً درک معنایی نویسنده یا شاعر را (هر چند که مخاطب نیز در این دیدگاه با وی موافق باشد) نسبت به ایران نشان می دهد.

معنا و ماهیت ارجاعی این کلمات نسبت به برداشت هر یک از مخاطبان متغیر است. خوبی، زیبایی، دوستی و عزیز بودن مفاهیمی هستند که حوزه ی معنایی آن ها نزد افراد یکسان نیست. این عبارات در اصطلاح علم تحلیل کلام، «ریشه ی مشترک» (fond commun) نامیده می شوند که همه، هر روز چندین بار آن ها را در ارتباطات زبانی به کار می گیرند، بی آن که ماهیت ارجاعی آن ها به یک اندازه باشد. نه تنها در این متون انتخابی (که در آن ها عبارات در یک بافت ادبی - شعری بیان شده اند) این گونه کلمات ماهیت ارجاعی نابرابر دارند، بلکه در ارتباطات زبانی روزمره ی خود نیز معنا و مفهوم دقیق آن ها مشخص نمی شود. به عبارت دیگر «نقطه ی صفر»^{۱۵} معنایی این

نوشتار در ارتباطات زبانی نامعین است و برد ارجاعی آن ها یکسان نیست.

شایان ذکر است که این کلمات در شعر به مراتب بیش تر از متن دوم به چشم می خورند. در متن «میهن ما» گنیش های زبانی بیش تر جنبه ی اطلاع رسانی دارند و مؤلف با عناصر زبانی عاری از خواسته ها و تمایل خویش، به معرفی ایران می پردازد. در حالی که عبارات شعر، ایران را از ورای مسائل مهم فراواژه ای می شناساند.

در پایان لازم است یادآوری کنیم که تعداد متون مربوط به ایران در کتاب های درسی، به ویژه کتاب فارسی، در دوره های تحصیلی گوناگون، زیاد است. به همین علت نمی توانستیم همه آن ها را در این جا بررسی کنیم؛ بنابراین مصمم شدیم، با انتخاب دو متن کتاب فارسی اول دبستان که ایران را برای اولین بار (از ورای نوشتار) به دانش آموزان می شناساند، به مطالعه ی مکانیزم های زبانی موجود در آن ها بپردازیم و به کم و کیف ساختار شکلی و معنا و مفهوم آن ها اشاره کنیم.

همچنان که در تحلیل این دو متن نیز اشاره شد، چنانچه مکانیزم های نوشتاری یک متن، اعم از ساختار و محتوا، به اصول علم «سخن کاوی» نزدیک باشد، تأثیر زیادی بر مخاطب خواهد گذاشت. نباید فراموش کنیم که یک متن ادبی مطابق با اصول ادبی - شعری (poetique)، با متونی که صرفاً در ارتباطات زبانی روزمره به کار گرفته می شوند و تنها اطلاع رسانی می کنند، متفاوت است؛ زیرا در متون ادبی - شعری ماهیت ارجاعی عبارات به مراتب پیچیده تر و حوزه ی معنایی آن ها وسیع تر است. بنابراین متونی که به شناساندن ایران اختصاص می یابند، باید با اصول علم «تحلیل کلام» مطابقت کنند. هم چنان که ملاحظه شد، متن اول (شعر) با توجه به ساختار صورتی موجود در آن و به لحاظ وجود کلمات و عباراتی که حوزه ی معنایی وسیعی داشتند، تأثیر گذارتر از متن دوم (میهن ما) است. امید است چنین متون آموزشی در کتاب های درسی، همواره از اصول علم زبان شناسی بهره مند شوند.

زیر نویس

۱. بنا به نظر یاکوبسن، در این رمزگذاری و رمزگشایی، پیام تحت تأثیر عوامل دیگری چون کد، تماس و غیره است.
۲. مانند یاکوبسن، سرل، آوستین، پرایس و دیگران.
۳. بیش تر در کتاب های فارسی
۴. این گونه اشعار را کودکان فرانسوی (و شاید کودکان تمام کشورهای جهان) در دوره ی دبستان و قبل از آن با یک آهنگ خاص زمزمه می کنند.
5. KERBRAT-ORECCHIONI, Lenonciation, Arman Colin, Paris, 1980, p. 25.
۶. کربرات اورکشینی، زبان شناس برجسته فرانسوی معتقد است که زبان نوشتاری علاوه بر پیام ظاهری، حاوی پیام دیگری نیز هست که مخاطب باید آن را دریابد.
7. MARILLAUD P., LE STEREOTYPE, 21^e

Colloque d'Albi, Universite de Besancon, P.112.

۸. پل ورلن شاعر بزرگ فرانسوی درباره ی موسیقی در شعر می گوید: «موسیقی قبل از همه چیز».
۹. گیوم آپولینر، شاعر فرانسوی معتقد است که علائم نقطه گذاری مانع بزرگی برای خواندن شعر ایجاد می کنند. به همین خاطر آثار وی عاری از این علائم هستند.
۱۰. صورت گرایان و مؤسسان «مکتب پراگ» در علم زبان شناسی.
11. KERBRAT-ORECCHIONI C., LA CONNOTATION, Lyon, 1977, p.54.
۱۲. مراجعه کنید به «عناصر اشاری و جایگاه معنایی آن»، مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ی سوم و چهارم. پاییز و زمستان ۱۳۷۸. ص ۵۴۳.
13. KLIBER G., Reference Texte Embrayeur.

منابع

۱. احمدي بابک، ساختار و تأویل متن: نشانه شناسی و ساختار گرای. جلد ۱. نشر مرکز. تهران. ۱۳۷۲.
۲. اسداللهی ا. ی. «عناصر اشاری و جایگاه معنایی آن». مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ی سوم و چهارم. پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
۳. نادیه ژان - ایو. نقد ادبی در قرن بیستم. ترجمه مهشید نونهالی.
۴. خیاطی محمد. واژه نامه ی زبان شناسی. آرای نور. تهران. ۱۳۷۳.
5. BARTHES R., Le degre zero de lecriture, seuil, 1972.
6. FONTANILLE J., Semiotique du discours, PULIM, Limoges, 1998.
7. KERBRAT- ORECCHIONI C., Lenonciation, Arman Colin, Paris, 1980.
8. KERBRAT- ORECCHIONI C., LACONNOTATION, Lyon, 1977.
9. KLIBER G., Reference Texte Embrayeur, Universite de Besancon, 1989.
10. MARLLAUD P., LE STEREOTYPE, 21e Colloque d'Albi, 2001.
11. RYKNER A., Nathalie Sarraute, Paris, 1991.